

گؤگوش هنرمنداس

تكرار ناشدنس

10/31/2015

نوسنده: احمد علينقى

مقدمه

گوگوش هنرور و خواننده‌ای است که از تاریخ ایران برخاسته و بر این تمدن نشسته است. و به واقع هرچند او همانند هر ایرانی برخاسته و بر ساخته از میان جامعه ایران زمین بوده، ولی بی شک بر ساختار ذهن و شبکه شادابی مردم این سرزمین اثرگذار بوده است. بدینسان است که باید گفت گوگوش یک ایرانی شاخص و هنرمند نخبه بر تمدن و تاریخ ایران در برش تاریخ کنونی ایران زمین است. هنرمندی که توانسته با هنر ارزنده، صدای دلنشین و نقش اثربخش خویش، عنوان عنصر «خرده فرهنگ نفیس» را بر تاریخ هنری ایران رقم زند. البته گوگوش تنها هنرمندی نیست که بر بستر تاریخی ایران و تمدن ایرانی اثرگذاری شاخص و کم نظیر داشته، بلکه اشاره مستقیم به ارزندگی هنر وی در این نوشتار بدان دلیل است که نویسنده باور دارد گوگوش از شخصیتی فرای دیگر هنرمندان (به ویژه در حوزه موسیقی - خوانندگی) برخوردار بوده و نمی‌توان از این شخصیت محبوب و ماندگار در ذهن ایران زمین به نیکی یاد نمود.

بیگمان در بازه بیش از نیم قرن اخیر، درباره گوگوش و دیگر هنرپیشگان و خوانندگان ایرانی نوشته‌های توصیفی و خبری زیادی نگاشته شده است. اما نگارش فعلی ماهیتی متفاوت با آنچه تا به حال در مورد هنرمندان مطرح شده است، دارا می‌باشد. نگارشی که محتوای آکادمیک داشته و گوگوش را از زاویه متفاوتی بررسی می‌نماید. این رخداد تا به حال درباره یک خواننده در ایران سابقه نداشته و نوشتار حاضر شاید نخستین مقاله علمی در مورد خواننده‌ای در ایران می‌باشد. ولی نویسنده بر این نکته تاکید دارد که خانم گوگوش شایستگی این نوشتار علمی را دارد و آنچه نوشته می‌گردد در حد سزاواری اوست و گرنه هیچ نیت و قصدی برای برجسته و متمایز نمودن او در بین خوانندگان و هنرمندان نیست. این نوشتار، بررسی تفسیری علمی - هنری برای توصیف هنر بارز و شخصیت یکتای خواننده‌ای است که سال‌ها شادی و فرحت بر این مرز و بوم پاشانیده و اذهان و روان مخاطبان را به بسترهای شادکامی و شادمانی برانگیخته است. البته علاقه وافر نگارنده به صدای فرح انگیز و سیمای ملاحظت بار گوگوش عامل اساسی و اصلی برای قلیان و جوشش فرازهای پیش‌رو نیز می‌باشد.

در نوشته پیش‌رو بیشتر تلاش است تا تحلیلی منصفانه بر عملکرد گوگوش هنرمند در دو جامعه ایران و آمریکا اعمال گردد و اثر هنر او بر فرهنگ ملی را تفسیر علمی نماید. در این بررسی گوگوش را از جهت جایگاه و بازتابی که بر بستر زیست ایران و نگاه ایرانیان داشته به وادی نوشتار می‌سپارد. ولواینکه غرضی برای به نقد کشیدن شخصیت فردی و خصوصیات رفتاری و اخلاقی وی که مقولاتی شخصی هستند نمی‌باشد. براین مبنا در این نوشتار خواهیم دید درباب کیستی و زندگی گوگوش بیانی نخواهیم داشت. درواقع نویسنده برآن است با برسازی هنر و تاثیر صدا و نقش متمایز او در بین ایرانیان، نقش فرهنگی او در ایران معاصر را ترسیم نماید. این تحلیل در مورد گوگوش، فرایندی از بررسی و مطالعه شخصی است که بر روح و روان مردم سیادت قلبی داشته و ایرانیان او را در ماهیت یک نخبه هنری - فرهنگی، فردی شاخص در حوزه هنر پذیرفته‌اند. زیرا او نخبه‌ای در جامعه ایران است که به خوبی نقش خود را دریافته و بران عمل می‌نماید.

گوگوش مدیر پایگاه قلب مردم

گوگوش در پهنای پنجاه سال گذشته، چند بعد فعالیتی و اثرگذاری داشته است. ایشان هم در حوزه سینما کار کرده و هم در حوزه خوانندگی ثمرات درخشانی داشته است. با آنکه گوگوش به هنگام حضور در ایران (قبل از انقلاب) خدمات بزرگی به عرصه هنر ایران ارایه نموده است. و هرچند گوگوش در دوران پسانقلاب اسلامی بطور غیرمنصفانه از جامعه ایران مهجور ماند و مدتی مدید به گوشه انزوا وادار شد. اما بی تردید او هنری ویژه و منحصر به خود دارد و رد او بر ایران زمین تا آینده‌های دور ادامه خواهد داشت. گوگوش هنرمندی است که با کوششی خستگی ناپذیر، هیچ سدی را نمی‌پذیرد. بدین روی است که با مهاجرت در اوان انقلاب به خارج از کشور، فعالیت‌های ارزنده خود را ادامه داده و تاکنون ارزشهای کم نظیری را برجای گذاشته است.

امروز پس از سالها که گوگوش در فرایندی از گذر عمر، به دوره جدیدی از حیات با عزت خود رسیده، شاید بگویند که صدایش به دوران جوانی نمی‌نماید و از دوران اوج هنری خود فاصله گرفته است. ولی باید خاطر نشان نمود؛ با آنکه هنوز هم صدای رسا و لطیف گوگوش روح را می‌نوازد و بر تمامی اعماق وجودی انسان اثر خوشایندی ایجاد می‌کند. با این حال باید دانست که ایرانیان گوگوش را تنها به خاطر صدایش دوست نمی‌دارند، بلکه وجود او بمانند یک خرده فرهنگ ایرانی تلقی می‌گردد. وجودی که در قالب یک خرده فرهنگ ماندگار در ذهن سرزمین ایران، هنر و اثری جاویدان را یه یادگار گذاشته است. گوگوش خواننده و هنرمندی است که در طول بیش از نیم صده از تاریخ ایران، هیجان، شادی، مسرت، شور، شوق، ظرافت، زیبایی و هر آنچه را که با عنصر زیباشناختی و شادزیستی دارد، بر عرصه این سرزمین خموده جاری ساخته است. او فردی است که با جانمایی هنر ارزنده خود در دل ایران زمین، یادمانی خوش از صدا و هنر را برای ایرانیان برجای گذاشته و جامعه ایرانی با اشعار و آهنگ‌های خوشنواز او سرگرم و سرخوش شده است.

بر همین معیار است که باید پذیرفت گوگوش نیاز و ضرورت جامعه ایران در حوزه هنر موسیقی است. در بستری از نبود هنر والا و تخلیه مظاهر هنر موسیقی در دوران پسانقلاب، اینک هنرمندان قدیمی و محبوب در عرصه موسیقی، آرایه‌های ارزش در هنر موسیقی بشمار می‌آیند و مردم والایی و آرمان هنر موسیقی را در وجود آنان می‌جویند. هنرمندان این عرصه همانند گوگوش این نیاز ایرانیان را خوب درک کرده و مسئولیت هنری- اجتماعی خویش را بر دوش می‌کشند. از طرف دیگر مردم ایران نیز با تفهیم ارزشمندی و درک مسئولیت گوگوش و دیگر بزرگان موسیقی، آنان را در هاله‌ای از والایی ایرانی در قلب و جان خود جای داده‌اند و به خاطر «وجود آنان» خدای را شکر می‌گویند. با این وجود، حتی چنانچه گوگوش نتواند بمانند دوران جوانی خوب بخواند و یا فاصله محسوسی از خوش‌خوانی گرفته باشد. اما به راستی و درحقیقت باز هم او گوگوش است و گوگوش خواهد ماند. زیرا که مردم او را نه برای صدایش، بل به خاطر خودش و بدل شدن به هویت موسیقی ایرانی، طلب می‌کنند و دوستش می‌دارند. امروز گوگوش از پیشینه‌ای طولانی در وادی هنر برخوردار است. و با نگاهی به وضعیت امروزی هنر موسیقی در کشور و آفریده‌های هنر در خارج و داخل، به راحتی می‌شود به یگانگی و بی‌همتا بودن گوگوش در عرصه هنر

موسیقی در ایران پی برد. همانطور که خرده فرهنگ‌ها در مغز و ذهن مردم نفوذ می‌کنند و جزیی از وجود و زندگی آنان می‌گردند، گوگوش نیز در ماهیت الگوی هنری جاودان، جزیی از زندگی مردم شده و مردم با او زیست می‌کنند و در صورت نبود او در عرصه هنر، این نقیصه به عینه خود نشانی می‌کند. در وضعیت حاضر که در وادی اجتماع و میدان هنر ایرانی، جوهرمایه فرهنگ و هنر ایرانی مفقود گردیده و هنر نشاط گرا و هیجان انگیز از جامعه رخت بسته است، گوگوش نیاز مسلم جامعه ایران می‌باشد و مردم به بودن او نیاز دارند.

با توجه به تمامی نظرات مردمی و سخنان ذکر شده در لایه‌های اجتماعی که موید اندک افول در صدای فرحناک او در سنین کنونی است. ولی نامنصفانه است که گوگوش را تمام شده پنداریم. درست است که او تا حدی قلیل از خوانندگی پراوج جوانی خارج شد و صدایش نشاط جوانی را ندارد. ولی به راستی در بستری جدید به زندگی مردم وارد شده است. همیشه گوگوش را بخاطر خوانندگی و صدای منحصر بفرد خواسته‌ایم و بر او سپاس فرستاده‌ایم. اما اینک سرشت و وجودی دیگری از او دیده‌ایم. مدیریت تجمیع و ارایه صدای نسل جوان برای آینده موسیقی ایران، ناورده‌گاهی نوین در بستر خواست و نیاز جامعه ایران و مردم ایران است. گوگوش در کنشی نوآورانه در تاریخ ایران، فعالیتی جدید را برای معرفی نسل جدید خواننده ایرانی بر چارچوب تی وی قرار داد. گوگوش با درون مایه فطری و محبوبیت جاوید در بین مردم، توانست بستری دیگر از کار جدید را در حوزه هنر موسیقی ایرانی پایه ریزی کند. بدین سبب است که در هنگامه امروز گوگوش را در دو وجه وجودی «هنر و مدیر» رصد می‌کنیم.

آکادمی گوگوش در رسانه معتبر منوتو، میدانی از کاوش و یابش صدای ناب و جدید است. و هرچند دراصل موضوع میدان خارج از کشور میدانی اصیل و با وسعت برای صدایابی نیست و ایرانیان خارج از کشور حجم بالایی ندارند و جمعیت آنان اندک است. ولی به هر روی اقدام گوگوش و شبکه منوتو برای پیدایی و پیدایش صدا، حرکتی ارزشمند در بستر موسیقی ایرانی شمارش می‌گردد. و اگرچه شاید این کنش، بستری بزرگ ایجاد نکرده و پایش زمان‌دار نیز نداشته باشد. ولی به هر روی حرکت و کنش این دو را می‌توان کنشی سمبلیک و آغازگرایانه قلمداد نمود. کنشی که با بزرگی گوگوش بزرگ شده و با مدیریت و هدایت شبکه منوتو، روح تازه و خون مجددی را برای بالندگی هنر موسیقی ایرانی در کالبد ایران زمین فوران نموده است. گوگوش و منوتو توانستند با انجام کاری سترگ، الگویی از صدایابی و هنریابی را بر بستر جامعه ایران (داخل و خارج) جانمایی نمایند. الگویی که در رسانه‌های ایرانی ترویجی مبارک داشته و شاهد افزایش و صعود هنر صدایابی و پیدایش صداهای تابناک ایرانی و حتی اوج گیری مجدد هنر موسیقی ایرانی می‌باشیم.

به واقع در حالی که شبکه ملی ایران در داخل کشور، از وظیفه ذاتی و رسالت ملی- اجتماعی خود خارج شده و به جد به انحراف گراییده است. این شبکه منوتو است که رسالت سنگین شادی سازی برای مردم ایران و هدایت هنر موسیقی و دیگر هنرها در ایران را برعهده گرفته است. شبکه تلویزیونی «من و تو» چند سالی است که پایگاهی جدید در دل و روح ایران و ایرانیان باز نموده و باز بازنگاهی جدید و مجدد بر بسترگاه هنر ایرانی و صدای ایرانی، نه تنها اوقات فرح بخشی را به پا کرده، بلکه گوگوش را در ناورگاهی دیگر از شخصیت ایرانی قرار داده است. منوتو با برجسته نمودن جایگاه گوگوش در عرصه هنر

صدایابی در برنامه آکادمی گوگوش، راه نوینی را در غیاب رسانه ملی ایران در اختیار گرفته است. این ناوردگاه مسابقه صدا در منوتو ثابت نموده است که چرا مردم، گوگوش و رسانه منوتو را دوست می‌دارند و به آنان عشق می‌ورزند. گوگوش و شبکه منوتو هویت جدیدی در فراگرد پیدایش صدای جدید و نسل نوین خوانندگی پایه گذاری کرده و هم اینک روال دیگری در اصول رسانه‌داری در بین ایرانیان را خلق نموده‌اند. دراصل شبکه تلویزیونی منوتو در دهه گذشته سعی نموده تا در دو بستر توزیع علم نوین جهانی و دگرش الگوی زندگی ایرانی اقدامات موثر و درخشانی را پایه گذاری نماید. اقداماتی که در غفلت رسانه ملی در داخل کشور، اثرات شایان خود را برجای گذاشته و بینندگان منوتو و دیگر رسانه‌های نوگرا در خارج کشور، تحول بنیادی در نگرش و عمل خود را درک نموده‌اند. و اینست که می‌بینیم در حال حاضر الگوهای زیستی - هنری مردم ایران دگرشی اساسی پیدا کرده و شبکه منوتو توانسته در زنده نگاه داشتن فرهنگ و هنر ایرانی موفق باشد.

ما ایرانیان هنوز گوگوش را به خاطر صدایش دوست می‌داریم و صدای او را تک و یگانه در ایران می‌دانیم. صدایی که شاید تکرارناشدنی باشد. براین مبنا گوگوش را خواننده‌ای مردمی دانسته که سال‌ها در بین مردم زیست نموده و بر بسترهای مشتاقانه و مطالبات مردم طریق نموده است. گوگوش فردی است که با صلاحیت و قابلیت فردی منحصر بفرد، جایگاهی خاص در بین مردم پیدا نموده است. و در مفاهیمی از محبوبیت و مقبولیت مردمی، سال‌های سال است که به بسترهای زیست مردم پا گذاشته و مردم نیز او را با آغوش باز و دلبری پذیرفته‌اند. عرصه هنر و مردم بر این هنرمند افتخار می‌کنند و در این اقبال همه سویه، خاستگاه مردمی او از پیش گسترده‌تر و فراخ‌تر گردیده است. شوربختانه با آنکه نظام حکومتی در کشور، جایگاه مقبولی برای او در نظر نگرفته و اراده‌ای بر نظرات مردمی ندارد، ولی با این حال گامی برای احترام بر او برنداشته و فرایندهای غیرخردمندانه را بروز می‌دهد. غافل از آنکه گوگوش و افرادی مانند گوگوش که در ایران کم نیستند، نیازی به خاستگاه حاکمیتی و حمایت مبانی قدرت ندارند. آنان در تیررس نگاه مردم بر قایق عشق و علاقه مردم، دل به آب راهه شیار خون مردم سپرده و در قلب ایرانیان جای گرفته‌اند. گوگوش بدون تبلیغ و اصرار، بر ساحت نیاز و استقبال ایرانی برگرفته و در سرعتی تمام قد، ایرانی و ایرانگاه را پیموده است. تا امروز در حکم اساطیری شاهنامه پارسی - ایرانی بر فرهنگ پارسی بماند و با تمدن ایران زمین سیر کند.

نتیجه

این که هنرمندان و موسیقی‌کاران خوب هستند یا بد، در استقبال مردم مشخص می‌گردد. ایرانیان هنر را دوست می‌دارند و به هنرمندانشان ارج می‌نهند. شوربختانه هنرمندان عرصه موسیقی در ایران، در مظلومیت مضاعفی در تناسب با دیگر هنرمندان قرار دارند و ظلم بیشتری را تحمل می‌نمایند. شایسته نیست که شهروند ایرانی که کشور از اوست، از محیط ایران محروم شود و اجبار شود که در دیگر سرزمین‌ها به بازی هنر درآید. چرا باید گوگوش و دیگر بزرگان موسیقی به خارج از ایران کوچ کنند و لاجرم هنر و نیاز ایرانی را در خاکی دیگر ارایه نمایند؟!

این نوشته ضمن تقدیم سپاس و احترام به آستان بزرگان موسیقی ایران، رقص قلم را بر ساحت بانوی آواز ایران می‌نوازد و نگاهی ستایشگر به عمری از هنر گوگوش دارد. تا از این راهوار، دلجویی شایسته از او گرداند و بزرگی گوگوش را اثبات نماید. گوگوش بنابر ذات هنری که در وجود خود دارد، در این عرصه بزرگ شد و بزرگ ماند. و یقیناً در دل بزرگ ایران بزرگ خواهد ماند. چرا که رسم و هنر نیک بودن را خوب بلد است. این نوشته نه در ماهیت ترسیمی از مدح و ستایش، که در برشی از تمجید و تقدیر از این هنرمند وارسته و عالیقدر، نقشی از وجود او و هنر ماندگارش را نقش می‌گذارد. لذا در این فرصت او را تکریم نموده و بر ساحت نازنین او درود و سپاس سزاوار تقدیم می‌نماید.